

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : قاسم باز  
۰۹ می ۲۰۲۴

## شهید داوودخان سیاستمدار، مرد مدبر و دوراندیش بود

این نوشته مشت محکمی است به روی یک عده دشمنان قسم خورده شهید سردار محمد داوودخان که می گویند:  
[داوودخان سیاستمدار و مرد دور اندیش نبود] .

محقق و نویسنده ریالست جناب **فواد ارسلان** به نقل از مصاحبه های اراکین بلند پایه دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا در مورد نقش آمریکا در قبال موضوعات سیاسی افغانستان بین سالهای ۱۹۵۰ الی ۲۰۰۱ نقل قول نموده چنین می نویسد:  
«ارتباط موقعیت و ارزش افغانستان در منطقه برای سیاست آمریکا و شاید هم تفاوت رهبری افغانستان در سال های ۱۹۵۰ میلادی و رهبری این ۲۰ سال جمهوری ایجاد شده توسط آمریکا گفتاری ترجمه شده و در ذیل تقدیم می گردد که می تواند مورد استفاده علاقه مندان قرار بگیرد .

آرمین اچ مایر Armin H.Meyer معاون سفیر کابل ۱۹۵۷-۱۹۵۵ سفیر متقاعد به تاریخ ۰۶/۱۹/۱۹۱۴ در ولایت [ایالت] اندیانا Indiana تولد شده و درجه ماستری از پوهنتون کاپیتل University Capitol و درجه ماستری دیگری از پوهنتون ولایتی اوهایو University Ohio به دست آورده است. سفیر متقاعد مایر وظایف دیپلماتیک به نمایندگی از آمریکا در بیروت ، بغداد و کابل انجام داد و بعداً من حیث سفیر آمریکا در لبنان، ایران و جاپان اجرای وظیفه کرده است. در ذیل مصاحبه وی با مک دیتون Mack Dayton که در نشریه انجمن مطالعات و تعلیمات دیپلماتیک Diplomatic for Association Studies and Training آمریکا واقع واشنگتن دی سی در سال ۱۹۸۹ نشر شده استرا می خوانیم:

سؤال- با در نظر داشت این که روسها همسایه افغانستان بودند شما در سفارت آمریکا در آنوقت با فشار ها و کشمکش های زیادی روبه رو بوده اید؟

سفیر متقاعد مایر- بلی بلی همانطوری که تذکر داده ام وقتی من به آنجا رسیدم (۱۹۵۵) سرحد افغانستان و پاکستان مسدود بود و این حالت برای روس ها بهترین چانس را داده بود تا نفوذ خود را در افغانستان وسعت بدهند، سرک ها را قیر می کردند و تمام واردات افغانستان از طریق روسیه صورت می گرفت و البته این به خاطر این نبود که روسها عاشق افغانستان بودند . اما این سردار داوود هم آدم پخته و هوشیار بود، او می دانست که زندگی در سرحدات شوروی این مشکل را دارد که وی نمی تواند با روسها دست به یخن شود و از راه دشمنی پیش برود، بناءً افغان ها برای سال ها این بازی بزرگ را انجام می دادند که از قدرت های بزرگ به ضد یک دیگر استفاده می کردند. یک نکته جالب در این

است که وقتی آیزنهاور رئیس جمهور امریکا انتخاب شد پلان ستراتیژیکی را شروع کرد که به نام دکترین آیزنهاور Doctorin Eisenhower شناخته می شود. آیزنهاور از مجلس نمایندگان و مجلس سنای امریکا رأی تصویب دکترین خود را به دست آورد و یک عضو مجلس نمایندگان امریکا را به نام کانگرسمن جیمز ریچاردز را در رأس یک هیأت به شرق میانه فرستاد تا معلومات به دست بیاورد که آیا ممالک شرق میانه می خواهند که تحت حمایت دکترین آیزنهاور قرار بگیرند و یا نه. یک تعریف ساده دکترین آیزنهاور این است که هر مملکت شامل این دکترین مورد تجاوز کمونیزم بین المللی توسط امریکا حمایت و محافظت و دفاع خواهد شد.

در هر حال وقتی این دکترین آیزنهاور شروع شد سفیر قبلی امریکا در افغانستان انگس وارد Angus Ward تبدیل شده بود و به عوض وی شلدن ملز Sheldom Mills در افغانستان به حیث سفیر مقرر شده بود. یک تعداد بسیار محدودی از ممالک در شرق میانه قد بلند کرده و صدا کرده بودند و هیأت کانگرسمن جیمز ریچاردز را دعوت کرده و گفته بودند «هی به ملک ما بیائید!» از جمله لبنانی ها صدا بلند کردند و وزیر خارجه چارلز ملک و رئیس جمهور لبنان شمعون که مشکلات زیادی داشتند هیأت کانگرسمن جیمز ریچاردز را به لبنان دعوت کردند.

و هیأت کانگرسمن جیمز ریچاردز مقادیر زیادی کمک اقتصادی امریکا را با خود به لبنان بردند. اما اکثریت ممالک شرق میانه در مورد دکترین آیزنهاور و سفر هیأت کانگرسمن جیمز ریچاردز موضعگیری منفی داشت چیزی عجیب جالب که اکثریت امریکائی ها از آن بی خبر هستند در اینست که دولت افغانستان هیأت کانگرسمن جیمز ریچاردز را به افغانستان دعوت کردند. بدون شک این دعوت در اثر کوشش سردار نعیم بوده است که در این وقت وزیر خارجه بود و قبلاً سفیر افغانستان در امریکا وظیفه اجراء کرده بود. در مقایسه با برادرش صدراعظم سردار داوود که جداً و مصرانه کوشش داشت بیطرفی افغانستان حفظ شود، سردار نعیم متمایل به غرب بود در هر صورت هیأت کانگرسمن جیمز ریچاردز در وقتی به کابل آمد که من در کابل وظیفه اجراء می کردم. قبل از این که برای مذاکره با صدراعظم سردار داوود برویم یک مجلس در سفارت دایر کردیم. در این مجلس کانگرسمن جیمز ریچاردز و مشاوران وی از وزارت خارجه امریکا بیل بردت Burdett Bill، جک جرگنسن Jack Jernegan، سفیر امریکا در کابل شلدن ملز Mills و مشاوران سفارت شرکت داشتند. نمایندگان وزارت خارجه در این مجلس چنین گفتند «ببینید هیچ امکان ندارد که ما پرستیژ امریکا را در تعهد دفاع و حمایت از افغانستان خراب کنیم، مخصوصاً که ما زیاده تر از توان خود به دفاع ایران تعهد کرده ایم، ما نمی توانیم به افغان ها بگوئیم که اگر روسها و یا کمونیزم بین المللی به آنها حمله کردند ما از آنها دفاع خواهیم کرد.» کانگرسمن جیمز ریچاردز با طرز صحبت خاص ولایت کرولینای جنوبی Carolina South اش گفت «اگر من می دانستم که ما با دکترین آیزنهاور از افغانستان دفاع کرده نمی توانیم من هیچ به اینجا نمی آمدم». در هر صورت ما به دیدن صدراعظم سردار داوود رفتیم و او هم که آدم پخته و مجرب بود هیچ نوع تعهدی را متقبل نمی شد یک اعلامیه را من و جناب پژواک یکجا تهیه کردیم که مباحث آن مجلس جالب بود. در اخیر ما مشترکاً از مأموران بلند رتبه وزارت خارجه افغانستان آن را نوشتیم. جناب پژواک یک شخص فعال و پر انرژی بود زیاده تر هم فکر سردار داوود بود در مقایسه با سردار نعیم. جناب پژواک مصرانه تأکید می کرد که حتماً و باید لغت «بیطرفی» در این اعلامیه تذکر داده شود و من در این مورد خوشحال نبودم که لغت بیطرفی در اعلامیه داخل شود. البته در آخر شاید همان اعلامیه مناسب بوده باشد چون که وقتی هیأت دکترین آیزنهاور از افغانستان رفت هیچ کس نفهمید که آیا افغانستان تعهدی را متقبل شده و آیا امریکا تعهدی را متقبل شده است. بعضی وقت ها در دیپلماسی جواب ها گنگ و مبهم گذاشته شود و ما در این مورد موضوع را مبهم گذاشتیم، اما موضوع جالب در این بود که افغان ها می خواستند در دکترین آیزنهاور شامل باشند اما به صورت غیر مستقیم.

بعد از ختم سفر خروشچف و بولگانین به افغانستان بحث های داغی در سفارت شروع شده بود و همه در این مورد نظر می دادند که امریکا چه جوابی به این سفر خروشچف و بولگانین بدهد؟ آیا امریکا با روسها مسابقه نماید؟ آیا امریکا بکلی از افغانستان خارج شود و غیره. به صورت مثال لیان پوآلدا Leon Pouullada گفت «چرا ما برای خانه ای فرش و ظرف و کوچ و چوکی بخریم در حالی که خوب می دانیم صاحبش کسی دیگر است؟» در آخر ما به یک تصمیم رسیدیم که آن را نظریه رفتن به ساحل بحر می گویند (مرسل- مقصد از کسانی که برای میله به ساحل بحر می روند چوکی قاطکی پالستیکی و غیره برای استفاده زودگذر با خود می برند.) به اساس این نظریه ما موجودیت خود را در افغانستان با یک مقدار محدود کمک های جدید حفظ خواهیم کرد. در نتیجه بعد از مذاکره با سردار داوود و همکاران وی به موافقه رسیدیم . این کمک های محدود جدید شامل بهتر ساختن شرکت طیاره آریانا ، یک مقدار محدود کار اضافی در وادی هلمند و انکشاف میدان های هوایی ملکی افغانستان . « بود

۵ / ۸ / ۲۰۲۴